Lexical analysis of surveillance discourse in Iran's legal system; Emphasizing Foucault's paleontological method

Mahdi Hadavan[1], Javad Yahyazadeh[2]

1. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, m.hadavand@atu.ac.ir
1. PhD in Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (corresponding author), javad_yahyazadeh@atu.ac.ir

Date Received: 2023/08/05
Date of Release: 2023/11/19

Abstract
"check", as a fundamental discourse in public law, builds the foundation of modern legal systems. It can even be claimed that the most important function of the legal government, i.e. guaranteeing and protecting the rights and freedoms of citizens, is also realized through check. However, the multiplicity of check vocabulary and the ambiguity in understanding the dimensions and multifaceted functions of this discourse have made it necessary to clarify the vocabulary of check. Therefore, the main question of this article is "What are the lexical systems of check discourse in Iran's legal system?" In order to answer this question, with a qualitative method based on Foucaultian paleontology and data collection through a library, an effort was made to analyze the discourse of check with special emphasis on "object" among the four Foucaultian paleontological elements - "object", "subject", "concepts" and "Strategy", the lexical system of monitoring at three levels, "lexical", "terminological" and "its practical examples in Iran's legal system" should be examined. The findings of this research show that firstly, eight important keywords can be highlighted from among the many words corresponding to check and by checking the lexical, idiomatic and practical meanings, they can be used in a precise language in their appropriate context. It is also possible to classify the check lexical system based on the lexical and terminological inference obtained, based on two important components "depth" - including shallow and deep lexical system - and "substance" - including administrative (both financial and policing), political and judicial - and from this Row revealed some inappropriate language usages in Iran's legal system.
Keywords: Check, Discourse, Object, Archeology, Foucault, Denotative analysis.

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

فصلنامه حقوق اداری
سال یازدهم، پاییز ۱۴۰۲، شماره ۳۶
مقاله علمی پژوهشی

تحلیل واژگانی گفتمان نظارت در نظام حقوقی ایران؛ با تأکید بر روش دیرینه‌شناسی فوکو

مهدی هداوند[۱]؛ جواد یحیی‌زاده[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

چکیده

«نظارت»، به‌مثابهٔ گفتمان بنیادی در حقوق عمومی، شالودهٔ نظام‌های حقوقی مدرن را بنا می‌نهد. حتی می‌توان مدعی شد مهمترین کارویژهٔ دولت حقوقی، یعنی تضمین و حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان، نیز از رهگذار نظارت محقق می‌شود. با این همه، تعدد واژگانی نظارت و مآلاً ابهام در شناخت ابعاد و کارکردهای چندوجهی این گفتمان، تدقیق در «منظومهٔ واژگانی نظارت» را ضروری ساخته است. از همین‌رو، پرسش اصلی این مقاله آن است که «منظومهٔ واژگانی گفتمان نظارت در نظام حقوقی ایران کدام‌اند؟» برای پاسخ به این پرسش با روش کیفی مبتنی‌بر دیرینه‌شناسی فوکویی و گردآوری داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای تلاش گردید تا با تأکید خاص بر «اُبژه» در تحلیل گفتمان نظارت از میان چهار عنصر دیرینه‌شناختی فوکویی _«اُبژه»، «سوژه»، «مفاهیم» و «استراتژی»_، منظومهٔ واژگانی نظارت در سه سطح «لغوی»، «اصطلاحی» و «مصادیق عملی آن در نظام حقوقی ایران» مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نخست می‌توان از میان واژگان متعدد متناظر با نظارت، هشت کلیدواژهٔ مهم را برجسته ساخته و با تدقیق در معانی لغوی، اصطلاحی و کاربست عملی، به استفادهٔ زبانی دقیق از آن‌ها در بافتار مناسب خود مبادرت ورزید. همچنین می‌توان منظومهٔ واژگانی نظارت را مبتنی‌بر استنباط لغوی و اصطلاحی به‌دست‌آمده، بر اساس دو مؤلفهٔ مهم «عمق» _شامل منظومهٔ واژگانی کم عمق و عمیق_ و «ماهیت» _شامل اداری (اعم از مالی و انتظامی)، سیاسی و قضایی_ طبقه‌بندی نمود و از این رو، برخی کاربست‌های زبانی ناصواب در نظام حقوقی ایران را نمایان ساخت.

کلیدواژگان: نظارت، گفتمان، ابژه، دیرینه‌شناسی، فوکو، تحلیل واژگانی.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران،
m.hadavand@atu.ac.ir
۲. پژوهشگر دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
javad_yahyazadeh@atu.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

مقدمه

«حقوق عمومیِ مدرن» به‌شدت متأثر از نظارت و کارکردهای ثمربخش آن در نظام‌های حقوقی است. اساساً یکی از مهمترین مواردی که «نظام حقوق عمومیِ مدرن» از «پیشامدرن» را متمایز می‌سازد،[۱] اصل بودن «نظارت‌پذیری» در اوّلی و «نظارت‌گریزی» در دوّمی است. اگر غایت «دولت حقوقی» و «نظام بین‌المللی حقوق بشر معاصر» را «حمایت و تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهرندی»[۲] بیانگاریم، که چنین است، ابزار رسیدن به چنین غایتی بی‌گمان «نظارت» و البته فراگیر بودن و همه‌جانبه بودن آن است.

در واقع تحولات متعددی از جمله «انقلاب صنعتی»، «مدرنیته» و در پی آن «عصر روشنگری»،[۳] نظرگاهی نوین پیش‌روی بشرِ گذارنده از عهد عتیق گشود. «محاکم تفتیش عقاید» و جان‌سپاری ابناء بشری در راه محدود نمودن قدرت مطلقهٔ پادشاه و تأسیس «دستورگرایی»[۴] به آدمی فهمانید که استیلاء و اقتدار، ذاتاً فسادآور است و لگام‌زدن بر اسب سرکش قدرت جز از طریق خود قدرت و نه ابزارهایی ماورائی و غیر عینی، ممکن نیست.[۵] با این همه، به‌نظر می‌رسد نظارت از جمله مفاهیم «ذاتاً مناقشه‌انگیزی»[۶و۷] است که نمی‌توان با فهم معنایی ظاهری از یک یا چند واژهٔ متناظر با آن، به درک رضایت‌بخشی نائل آمد. از این‌رو می‌توان از منظری فوکویی، نظارت را به‌مثابهٔ گفتمان بنیادی در حقوق عمومی مورد تحلیل قرار داد. با این‌حال، پرسش مهم آن است که روش مناسب در تحلیل «گفتمان نظارت» کدام است؟

از همین‌رو، هدف اصلی این پژوهش «تحلیل واژگانی گفتمان نظارت با تأکید بر روش دیرینه‌شناختی فوکویی» است. بر مبنای این روش تحلیل تاریخی، واژگان دارای دیرینه و تبار هستند و تدقیق در واژگان، راهی برای فهم عمیق کارکردها و حتی نقد ساختارشکن آن‌هاست. از آنجا که بر مبنای روش دیرینه‌شناختی فوکویی، پژوهشگر می‌تواند به‌طور خاص بر یکی از چهار عنصر اُبژه، سوژه،

---

۱. آنچه از منظر هارت (Herbert Hart)، در پرتو قواعد اولیه (Primary rules) و قواعد ثانویه (Secondary rules) ظهور نموده و نوعی گذار از جوامع بدوی یا «جوامع ما قبل حقوق» (Pre-Legal Society) به جوامع پیشرفته یا «جوامع حقوقی» (Legal Society) است. نک: هارت، هربرت (۱۳۹۰). مفهوم قانون، ترجمهٔ محمد راسخ، تهران: نشر نی.

۲. نک: ویژه، محمدرضا (۱۳۹۶). مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، تهران: جنگل.

۳. برای آگاهی بیشتر در این خصوص، نک: راسخ، محمد (۱۳۹۶)، حق و مصلحت، جلد دوم، تهران: نشر نی، برونوفسکی، ج و مازلیش، ب (۱۳۷۹). سنت روشنفکری در غرب از لئوناردو تا هگل، ترجمهٔ لی لا سازگار، تهران: آگاه.

4. Constitutionalism

۵. نک: مونتسکیو (۱۳۴۹). روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۲۹۵.

6. Essentially Contested Concepts

7. See: Gallie, W.B. (1956), "Essentially Contested Concepts, in Proceedings of the Aristotelian Society, 56, pp.167-198.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

مفاهیم و استراتژی‌ها در راستای تحلیل گفتمان مربوطه، تأکید ویژه‌تر نماید، تمرکز خاص در مقالهٔ پیش‌رو بر اُبژهٔ گفتمان نظارت و به‌طور أخص تحلیل واژگانی آن است.

بر این اساس، تلاش می‌شود تا گفتمان نظارت در سه سطح لغوی، اصطلاحی و کاربست عملی در نظام حقوقی مورد تحلیل قرار گیرد و از این طریق، ضمن ابهام‌زدایی از منظومهٔ واژگانی نظارت، راهنمایی برای قانون‌گذار داخلی و نیز پژوهشگران در استفادهٔ دقیق واژگان در بافتار مناسب و خاص آن‌ها باشد. گفتنی است که بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش حاضر نشان می‌دهد علی‌رغم تحقیق راجع‌به مفهوم نظارت در حقوق عمومی و نظام حقوق اساسی[۱] و نیز ارتباط آن در تضمین آزادی‌ها،[۲] تاکنون پژوهشی در خصوص «تحلیل زبانی- واژگانی گفتمان نظارت مبتنی‌بر روش دیرینه‌شناختی فوکویی» صورت نگرفته و از این حیث، مقالهٔ پیش‌رو واجد وصف نوآوری و تأمل و تعمق در آن گریزناپذیر می‌نماید.

۱. اهمیت اُبژهٔ نظارت و تحلیل گفتمانی[۳] آن در حقوق عمومی

ابزارهای حقوق عمومی، چه در شعبهٔ حقوق اساسی و چه در حقوق اداری، ساخته و پرداخته شده‌اند تا مراقب دولت باشند، مقامات عمومی را کنترل کنند، اقتدار آن‌ها را مهار نمایند، آن‌ها را در مقابل مردم پاسخگو کنند و بدین ترتیب از شهروندان بی‌پناه در مقابل دولتی که ذاتاً تجاوزگر و ماهیتاً مستعد فساد است، حمایت کنند. (هداوند ج ۲، ۱۳۹۶: ۴۷۴) بر این اساس، اگر غایت دولت حقوقی را به‌درستی «تضمین و حمایت از حق‌ها و آزادی‌های شهروندی» (ویژه، ۱۳۹۶: ۲۹۵) بیانگاریم، راه رسیدن به این غایت، همانا «نظارت» است. البته نظارت، نخستین یا مهمترین عنصر تشکیل‌دهندهٔ نظام حقوق اساسی نیست و راهی طولانی باید طی شود تا اساساً بتوان به نظارت و بازبینی توسل جست. از همین‌رو، دست‌کم دو عنصر مؤلفِ پیش از نظارت را می‌توان «حاکمیت قانون»[۴] و «تفکیک قوا»[۱] (راسخ، ۱۳۹۸: ۲۴) دانست.

---

۱. برای مثال، برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند از: راسخ، محمد (۱۳۹۸). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران، دراک، موسی‌زاده، ابراهیم و عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۹). نظارت بر اعمال حکومت و دیوان عدالت اداری، تهران: دانشگاه تهران، شفیعی سردشت، جعفر، گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، فاضلی‌نژاد، جواد (۱۳۹۷). کژتابی مفهوم نظارت در نظام حقوقی ایران، حقوق اداری، ش ۱۶، صص ۶۳-۸۸، گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، شفیعی سردشت، جعفر (۱۳۹۲). اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی دولت، دانش حقوق عمومی، ش ۵، صص ۲۱-۴۰.

۲. برای مثال، برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند از: هداوند، مهدی (۱۳۸۷). نظارت قضایی: تحلیل مفهومی، تحولات اساسی، حقوق اساسی، ش ۹، صص ۷-۵۶، زمانی، سید قاسم (۱۳۸۵). نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، پژوهش‌های حقوقی، ش ۹، صص ۳۱۴-۲۹۵، ویژه، محمدرضا (۱۳۹۶). مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، تهران: جنگل.

3. Discourse Analysis
4. The Rule of Law

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

بر این اساس می‌توان مدعی شد ناموس حقوق عمومیِ مدرن، نظارت است و تعدی به نظارت و نظارت‌پذیری، تهی‌کردن حقوق عمومی از بنیادهای موجه‌ساز آن تلقی خواهد شد.

مبتنی‌بر این اهمیت و ارزش، نظارت در حقوق عمومی را می‌توان و باید به‌مثابهٔ «گفتمان» تلقی و آن را بر اساس «گفتمان فوکویی» مورد تحلیل قرار داد. فارغ از تبیین معانی متعدد واژهٔ چندوجهی گفتمان،[۲] توضیح آنکه از منظر فوکو[۳] «گفتمان»[۴] و «صورت‌بندی گفتمانی»[۵] زمانی حاصل می‌شود که دارای چهار عنصر یا جهت باشد. به‌باور فوکو، آنچه «صورت‌بندی گفتمانی» نامیده می‌شود، سطح کلی اُبژه‌هایی را که در سطح خاصی از گزاره‌ها بیان می‌شود تقسیم می‌کند. چهار جهتی که در آن تحلیل می‌شود (شکل‌گیری اُبژه،[۶] شکل‌گیری موقعیت‌های سوژگی،[۷] شکل‌گیری مفاهیم،[۸] شکل‌گیری انتخاب‌های استراتژیک[۹]) با چهار حوزه‌ای مطابقت دارد که کارکرد بیانی در آن‌ها عمل می‌کند. (Foucault,2002:130) لذا تحلیل گفتمانیِ فوکویی با چهار عنصر «اُبژه»، «سوژه»، «مفاهیم» و «استراتژی» در هم تنیده است. اما مراد از هر یک از این عناصر نزد فوکو چیست؟

اُبژه در واقع موضوعی است که گفتمان در آن باره سخن می‌گوید. وی در کتاب *تاریخ جنون* راجع‌به «گفتمان روانپزشکی»، برای مثال، «جنون» را به‌مثابهٔ اُبژه در نظر می‌گیرد.[۱۰] در اینجا و در گفتمان نظارت، «مهار و بازبینی و کنترل» به‌مثابهٔ اُبژه تولید می‌شود. اما مراد از سوژه یا موقعیت سوژگی چیست؟ افرادی که می‌توانند دربارهٔ ابژه سخن بگویند را سوژه یا موقعیت سوژگی گویند. در گفتمان روانپزشکی، فوکو «روانپزشک» را به‌مثابهٔ سوژه تلقی می‌کند.[۱۱] در اینجا و در بحث گفتمان نظارت، «ناظر قانونی» سوژه یا موقعیت سوژگی و سخن‌گویی است؛ این ناظر (ان) قانونی، اعم از اداری، قضایی، پارلمانی (سیاسی) و مردمی هستند.[۱۲] مراد از مفاهیم نیز مواردی است که سوژه‌ها از رهگذار آن‌ها راجع‌به اُبژه سخن می‌گویند و باعث شناسایی اُبژه می‌شوند. «رفتار نامتعادل»، «عدم مسئولیت‌پذیری»، «فقدان خرد»

---

1. The Separation of Powers

۲. برای آگاهی در این خصوص، نک: مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمهٔ حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.

3. Michel Foucault
4. Discursion
5. Discursive Formation
6. Formation of Object
7. Formation of the subjective positions objects
8. Formation of concepts
9. Formation of strategic choices

۱۰. نک: فوکو، میشل (۱۳۸۸). تاریخ جنون. ترجمهٔ فاطمه ولیانی، تهران: هرمس، ص ۹۸.

۱۱. نک: همان: ص ۱۴۵.

۱۲. در واقع، ناظر بر اساس نوع نظارت، به چهار دستهٔ اداری، قضایی، پارلمانی (سیاسی) و مردمی قابل تفکیک است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

و ... برخی مفاهیم مربوط به گفتمان روانپزشکیِ فوکویی هستند.[۱] مفاهیم در گفتمان نظارت را می‌توان «تحلیل واژگانی»،[۲] «شرایط حدأقلی»،[۳] «جهات»،[۴] «انواع»،[۵] «مبانی نظری و دلایل توجیهی»[۶] نظارت در نظر گرفت. بالأخره مراد از استراتژی نیز همهٔ مفاهیم و اُبژه و سوژه‌هایی هستند که ذیل دیدگاه‌های کلان‌تر قرار گرفته و در تحلیل گفتمانی، مورد کاربست قرار می‌گیرند. در گفتمان نظارت، استراتژی‌ها می‌توانند، برای مثال، رویکرد «چراغ سبز»[۷] یا «چراغ قرمز»[۸و۹] باشند.

لذا تحلیل گفتمان فوکویی ضرورتاً «تحلیلی تاریخی» است که در آن، او رد پای رخدادهای امروزین را در گذشتهٔ تاریخ می‌جوید. بجای بازسازی تاریخ با فهم امروزین، فوکو به فهم امروز از طریق تاریخ می‌پردازد. (حاجلی، ۱۳۹۵: ۷۹ و ۸۰) از همین منظر می‌توان نظارت و واژگان راجع‌به آن را نیز مورد تحلیل قرار داد. پرسش مهمی که البته باقی می‌ماند آن است که «روش»[۱۰] تحلیل در این گفتمان کدام است؟[۱۱] تاریخ‌مندی روش‌شناختی فوکو عمدتاً بر دو روش «دیرینه‌شناختی»[۱۲] و «تبارشناختی»[۱۳] متکی است. به‌نظر می‌رسد علی‌رغم مکمل بودن این دو روش برای یکدیگر و با امعان نظر بر تفاوت‌های

---

۱. نک: همان: ص ۱۸۷.

۲. گفتنی است که تأکید این پژوهش، بر تحلیل واژگانیِ گفتمان نظارت در حقوق عمومی است و بحث و تدقیق راجع‌به مفاهیم دیگر، مستلزم پژوهش‌ها جداگانه است.

۳. مراد از شرایطی حدأقلی نظارت شرایطی است که در صورت عدم تحقق، عمل نظارت با امتناع روبرو می‌شود؛ برای مثال، تمایز ناظر و شخص تحت نظارت، قابلیت دیدن از سوی ناظر، قابلیت دیده‌شدن موضوع نظارت، ... برخی از این شرایط حدأقلی هستند.

۴. منظور از جهات نظارت، دلایلی است که نظارت بر شخص یا موضوع تحت نظارت از سوی ناظران را موجه‌سازی می‌کنند. برای مثال، جهات نظارت سازمان بازرسی کل کشور بر طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی، اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور است.

۵. انواع نظارت از حیث عامل نظارت به اداری، قضایی، پارلمانی و مردمی و از حیث عمل تحت نظارت به سه‌گانهٔ قضایی، سیاسی، اداری و نیز دوگانهٔ سیاسی- غیر سیاسی قابل تقسیم است.

۶. دلایل توجیهی نظارت آن دسته از خردورزی‌ها و عقلانیت‌هایی است که نظارت در حقوق عمومی را ضروری و بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. برای مثال، یکی از مهمترین دلایل توجیهی نظارت، جلوگیری از فساد و تضییع حقوق شهروندان است.

7. The red light theory

8. The green light theory

۹. کوتاه‌سخن آنکه در رویکرد چراغ قرمز، کار اصلی حقوق اداری فراهم‌آوردن سازوکارهای بازنگری قضایی رسمی و بیرونی از طریق ددگاه‌هاست، حال آنکه از منظر طرفداران رویکرد چراغ سبز، هدف اصلی تسهیل و روانسازی اجرای طرح‌ها و برنامه‌های عمومی و پیاده‌سازی سیاست‌های دولت است.

10. Method

۱۱. این پرسش مقدر، مبتنی‌بر این واقعیت است که تحلیل گفتمان خود نمی‌تواند و نباید به‌مثابهٔ «روش» مورد کاربست قرار گیرد، بلکه صرفاً قالبی است برای تحلیلی متناسب با پدیده‌های علوم انسانی و اجتماعی که از طرق روش‌های مختلف کارویژهٔ خود را به‌انجام می‌رساند.

12. Archeology

13. Genealogy

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

ظریف میان آن‌ها و نیز ابژهٔ گفتمانِ مورد بحث در این پژوهش، روش «دیرینه‌شناختی» روش مناسب برای تحلیل این گفتمان است که در ادامه مورد تبیین و موجه‌سازی قرار می‌گیرد.

۲. تأملی بر روش دیرینه‌شناختی فوکویی و کاربست آن در تحلیل گفتمان نظارت

دیدگاه یا روش دیرینه‌شناسی از درونِ تلاش برای پاسخگویی به مسائل فلسفی از طریق مطالعهٔ تاریخی سر بر می‌آورد. (کچویان، ۱۳۸۲: ۲۹) دیرینه‌شناسی در واقع در تکاپو برای نشان‌دادن مفاهیم معتبر از نامعتبر و جدی از غیرجدی است. لذا هدف دیرینه‌شناسی، بر خلاف رویکردهای تاریخی کلاسیک، کشف غایت پدیده‌ها و منشأ گفتمان‌ها نیست، بلکه شرح شرایط وجود گفتمان و حوزهٔ علمی کاربرد و انتشار آن می‌باشد. به‌دیگر سخن، دیرینه‌شناسی با تکوین، تداوم و تکامل نظام احکام سروکار ندارد و نمی‌خواهد به اجزای پراکندهٔ گفتمان وحدت ببخشد و یا با کشف خط مرکزی کلی و عام تنوعات را تقلیل دهد. هدف آن صرفاً توصیف قلمرو وجود و عملکرد کردارهای گفتمانی و نهادهایی است که صورتبندی گفتمانی بر روی آن‌ها تشخیص و قطعیت می‌یابد. هدف دیرینه‌شناسی تحقیق در شرایطی است که در آن سوژه‌ای به‌عنوان موضوع ممکنِ شناخت ایجاد و ظاهر می‌شود. (دریفوس و رابینو، ۱۳۸۲: ۱۶) در واقع، هدف دیرینه‌شناسی توصیف صرف حوادث است (کچوییان، همان: ۶۲)، بی‌آنکه به‌دنبال کشف غایت و تسلسلی تاریخی برای آن باشد. از همین‌روست که می‌توان روش فوکو در تحلیل تاریخی را حتی نوعی «ضد روش» و «ضد علم» نامید.

اما موضوع مهمی که روش دیرینه‌شناسی فوکو را از روش تبارشناسانهٔ او متمایز می‌سازد این است که فوکو در روش دیرینه‌شناسی به کردارهای «غیر گفتمانی»[1] توجهی نداشته و صرفاً به بررسی «واژه‌ها» و «معانی» می‌پردازد. بررسی‌های وی جنبهٔ عینیت‌یافته و بی‌طرفانه دارند. در واقع، دیرینه‌شناسی شیوهٔ تحلیل قواعد نهفته و ناآگاهانهٔ تشکیل گفتمان‌ها در علوم انسانی است. (اکرمی و اژدیان شاد، ۱۳۹۱: ۲۸) از این منظر، تحلیل گفتمان مربوطه با صورت‌بندی‌های گفتمانی سترگ دیگر پیوند نمی‌خورد و صرفاً صورت‌بندی‌های گفتمانی تحلیل می‌شود؛ اما در تبارشناسی رابطهٔ میان صورت‌بندی گفتمانی و حوزه‌های رفتاری (غیرگفتمانی) محوریت می‌یابد. در این روش فوکو با دیدی انتقادی ساخت «قدرت»[2] در جامعه و رابطهٔ آن با معرفت و فن‌شناسی را تحلیل می‌کند. بنابراین، آنچه دو روش دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکویی را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تمسک دومی به مفهوم «قدرت»، به‌مثابهٔ مفهومی کلیدی در ساختاربندی ذهنی فوکو، و تلاش برای تحلیل گفتمان‌های مختلف در پرتو آن است.

1. Non-Discursive
2. Power

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

توضیح بیشتر آنکه فوکو نخستین موضوع بررسی تبارشناسانه را در بدن آدمی جستجو می‌کند.[۱] با مطالعهٔ تبارشناسانهٔ تأثیرات تاریخ بر بدن، نظام عصبی و خلق و خوی فرد، آشکار می‌شود که هیچ چیز حتی فیزیولوژی بدن ما، با ثبات و فارغ از تأثیر تاریخ نیست. انسان در تاریخ ظهورات گوناگونی پیدا می‌کند و تبارشناسی، تحلیل احتمالات و ظهورات تاریخی است؛ (اشرف نظری و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۹) آنچه خود در پرتو اَبَر مفهوم فوکویی، یعنی «قدرت» و ساخت آن، معنا و تحلیل می‌شود. باری، بر این اساس و مبتنی‌بر تفاوت‌های جدی دو روش دیرینه‌شناسی و تبارشناسی، اکنون می‌توان بیان داشت روش اتخاذی در تحلیل واژگانی گفتمان نظارت در حقوق عمومی در این پژوهش، همانا روش دیرینه‌شناسی است. به‌دیگر سخن، نظارت در پرتو مفهوم فوکوییِ قدرت و تأثیر و تأثرات آن مورد نظر نیست، بلکه مبتنی‌بر هدف اصلی این پژوهش –که تحلیل واژگانیِ[۲] نظارت می‌باشد، روش مطلوب همانا روش دیرینه‌شناختی است.

البته ممکن است این مسئله به ذهن خطور نماید که آیا تحلیل منظومهٔ واژگانیِ نظارت، بدون تمسک به روش دیرینه‌شناختیِ فوکویی نیز امکان‌پذیر است؟ به‌دیگر سخن، آیا می‌توان بدون طی کردن مدار روش‌مند فوکو نیز به همان نتایجی دست یافت که کاربست چنین روشی آن را به ارمغان می‌آورد؟ در مقام پاسخ باید خاطرنشان ساخت که ممکن است تحلیل واژگانی نظارت به‌نحو غیرروشمند نیز یافته‌هایی شبیه تحلیل گفتمانیِ روشمند مبتنی‌بر روش دیرینه‌شناسی پدید آورد، لکن آنچه آورده‌های تحلیلیِ این روش خاص را برجسته و قابل اعتماد می‌سازد، ابتناء آن‌ها بر مقومات منطقی و پشتوانهٔ معنادار آن‌ها است. با تمسک به روش دیرینه‌شناختیِ فوکویی است که نخست نظارت به‌مثابهٔ یک صورت‌بندی گفتمانی – و نه غیر گفتمانی – انگاشته می‌شود. حال خود این صورت‌بندی گفتمانی که از حیث اُبژه، سوژه، مفاهیم و استراتژی‌ها قابل واکاوی و تدقیق است، با تأکید خاص بر «اُبژهٔ گفتمان نظارت» مورد تبیین قرار می‌گیرد. افزون بر آن، در راستای تحلیلی دقیق، اُبژه در سه سطح معناشناختی (لغوی و اصطلاحی) و عملی واکاوی شده و بی‌گمان نتایج آن در کاربست صواب منظومهٔ واژگانی نظارت و پیشگیری از خطاهای زبان‌شناختیِ ناشی از تعدد واژگانی گفتمان مربوطه مؤثر و حتی ضروری می‌نماید.

---

۱. روشی که با تأثر فراوان از آثار نیچه مورد کاربست قرار می‌گیرد؛ برای نمونه، نک: نیچه، فردریش (۱۳۷۵). فراسوی نیک و بد، ترجمهٔ داریوش آشوری، تهران: خوارزمی، نیچه، فردریش (۱۳۷۷). تبارشناسیِ اخلاق، ترجمهٔ داریوش آشوری، تهران: آگاه.

2. Semantic processing

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

۳. تحلیل واژگانی گفتمان نظارت در نظام حقوقی ایران

دیرینه‌شناسی به‌مثابهٔ نظریه و روش به ما می‌آموزد که پدیده‌ها و مفاهیم را در تطور تاریخی‌شان بررسی کنیم، زیرا هر شناختی ریشه در زندگی، جامعه و زبانی دارد که تاریخ را تشکیل می‌دهد. بر این اساس زمانی می‌توانیم بفهمیم «نظارت» چیست که بستر شکل‌گیری یا بسط آن را بشناسیم. تعیین معنای مفاهیم کلی اغلب بر دوش بیش از یک واژه قرار می‌گیرد و مجموعه‌ای از واژگان که شباهت خانوادگی با یکدیگر دارند، هر کدام از منظری و در بافت و بستر ارزشی خاصی انتقال مفهوم کلی خود را بر دوش می‌کشند. واژه‌ها، تاریخ، دیرینه و مفهوم و معنای خاصی دارند و انباشتی از تجربیاتی هستند که در پیرامون این مفهوم مطرح است.

دیرینه‌شناسی و احصاء این مجموعهٔ واژگان می‌تواند مقدمه‌ای برای استخراج دلالت‌های لفظی و عقلی هر یک از آن واژگان به‌منظور تبیین و تعریف مفهوم عامِ مشترکی که در بر دارند باشد. حقوق همچون فلسفه، سرشار از جدال‌های لفظی است و تا این جدال‌های لفظی که مبتنی‌بر اختلاف نظر یا درک نادرست از واژگان و عبارات است، حل نشود نزاع‌ها همچنان ادامه می‌یابد. بسیاری از جدل‌های حقوقی با تحلیل دقیق واژه‌ها ممکن است «حل» و یا حتی به تعبیر ویتگنشتاین[1] «منحل» شوند.[2] زبان حقوقی ما در خصوص بسیاری از واژگان کلیدی از جمله «نظارت» دارای ابهام است و لذا جامعهٔ حقوقی باید با تکیه و تأکید بر تحلیل گفتمانی و روش‌های متناظرآن، از جمله «دیرینه‌شناسی»، گرد و غبار ابهام از واژه‌های کلیدی ادبیات حقوقی و به‌طور خاص حقوق عمومی بزداید. بر این اساس، می‌توان به‌منظور تحلیل گفتمان نظارت با تأکید بر رویکرد اخیر، از سه سطح به این موضوع نگریست. در سطح نخست تلاش می‌شود معنای «لغوی»[3] منظومهٔ واژگانی نظارت بررسی شود. در سطح دوم و با تفکیک میان منظومهٔ واژگانی، معانی «اصطلاحی»[4] نظارت مورد واکاوی قرار گرفته و تفاوت‌های آن‌ها آشکار می‌شود. نهایتاً در سطح سوم، «کاربست عملی آن‌ها در نظام حقوقی ایران» تحلیل می‌شوند.

---

1. Ludwig Wittgenstein

۲. برای آگاهی بیشتر در این خصوص، نک: شرفشاهی، احمد و احمدی افرمجانی، علی‌اکبر (۱۳۹۸). روشِ نقدی ویتگنشتاین متأخر، حکمت و فلسفه، ش ۵۷، صص ۱۹۵-۲۲۲.

3. Denotative Meaning
4. Connotative Meaning

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

۱-۳. معنای لغوی نظارت

پیش از تبیین «منظومهٔ واژگانی نظارت»،[۱] لازم است تا نسبت به معنای لغوی واژهٔ نظارت، به‌مثابهٔ واژهٔ اصلی و کلیدی بحث حاضر، متفطن گردیم. «نظارت»، اسم مصدر از ریشهٔ «نظر» است و نظر؛ یعنی «نگاه کردن و نگریستن» و در لغت به معنای «تأمل در چیزی و معاینه‌کردن آن» (ابن فارس ابن زکریا، ۱۴۱۱ ق/۱۹۹۱ م: ۴۴۴)، «فراست»، «مهارت»، «حذاقت» و «عمل ناظر و مقام او» و «مراقبت در اجرای امور» و یا «حکومت‌کردن بین مردم و فیصله‌دادنِ دعاوی ایشان» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۹۹۴۶) می‌باشد، یا «شغلی» در دربار شاهان که متصدی آن، مسئول اداره و حسن جریان بخشی از امور بوده است. (معین، ۱۳۸۵: ۴۷۴۹) این لغت در کتاب *معجم‌الوسیط* به معنای تدبّر و تفکّر آمده است و ابن‌منظور نیز در ذیل این کلمه می‌نویسد: «نظر به معنای تأمل در چیزی با چشم یا حس کردن با چشم و نظارت یعنی گروهی چیزی را مشاهده و نگاه می‌کنند» (ابن منظور، ۱۴۰۸). از دیگر معانی نظارت، داشتن نوعی تسلط یا اقتدار بر روی کسی، چیزی یا گروهی است. (ابن منظور: ۵۸۶)

واژگان متناظر متعددی برای «نظارت» در زبان فارسی به‌کار می‌رود که مهمترین آن‌ها عبارتند از: «مهار (کنترل)»، «پاسخگویی (جوابگویی، مسئولیت)»، «ارزیابی (ارزشیابی) و حسابرسی و ممیزی»، «پایش (مراقبت، وارسی، امتحان)»، «بازنگری (بازبینی، بازدید)»، «بازرسی (بازپرسی)»، «تفتیش (تجسس)»، «تحقیق و تفحص».

مهار (کنترل)	پاسخگویی (مسئولیت)
ارزیابی (ارزشیابی) و حسابرسی و ممیزی	بازنگری (بازبینی، بازدید)
بازرسی (بازپرسی)	پایش (مراقبت، وارسی، امتحان)
تحقیق و تفحص	تفتیش (تجسس)

جدول شمارهٔ ۱. «منظومهٔ واژگانی نظارت» در زبان فارسی

۱. مراد از منظومهٔ واژگانی نظارت در این مقاله، همهٔ واژگانی است که به نحوی از انحاء با واژهٔ نظارت نسبت و پیوندی معنادار دارند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

به‌نحوی اجمالی، می‌توان معانی لغوی هر یک از واژگان فوق را به شرح ذیل طبقه‌بندی و مآلاً واکاوی نمود؛

ردیف	واژه	معنای لغوی
۱	مهار (کنترل)	مهار به معنای مطیع و رام کردن، افسار بر سر او زدن، زمام اختیار در دست گرفتن، به فرمان آوردن (دهخدا، همان: ۲۱۸۶۴)، عنان، زمام، افسار (معین، ۱۳۸۱: ۱۸۶۱ و عمید، ۱۳۸۹: ۹۹۴) و کنترل به معنای نظارت کردن، تفتیش کردن، کسی که کنترل می‌کند را کنترلر یا بازبین گویند (دهخدا، همان: ۱۸۶۱۵)، وارسی، بازرسی، ممیز، مفتش (معین، همان: ۱۴۰۱)، ممیزی، بازدید (عمید، همان: ۸۵۵).
۲	پاسخگویی (جوابگویی، مسئولیت)	پاسخگویی به معنای جواب‌دهنده، پاسخده (دهخدا، همان: ۵۳۵۹)، مسئولیت به معنای متعهد بودن، موظف بودن (همان: ۲۰۹۰۷)، مسئول به معنای پرسیده‌شده، خواسته‌شده (عمید، همان: ۹۳۷)، کسی که فریضه‌ای بر عهده دارد که اگر بر آن عمل نکند از او بازخواست می‌شود. (معین، همان: ۱۷۱۵)
۳	ارزیابی (ارزشیابی) و حسابرسی و ممیزی	ارزیابی به معنای عمل یافتن ارزش هر چیز، تقویم (دهخدا، همان: ۱۸۲۸)، برآوردن، سنجیدن ارزش چیزی و ارزش و بهای آن را تعیین کردن و ارزیاب کسی است که ارزش هر شیء را معین می‌کند (معین، همان: ۱۱۹)، مقوم (عمید، همان: ۹۴). حسابداری به معنای محاسبه، چاپ، شمار (دهخدا، همان: ۸۹۲۸)، عمل و شغل حسابدار، محاسبی (معین، همان: ۵۹۱)، محاسب کسی است که حساب داد و ستد و قرض و طلب اداره یا بنگاهی را دفتر می‌نویسد (عمید، همان: ۴۵۵) و ممیزی به معنای ممیزی به معنای بررسی و تشخیص (دهخدا، همان: ۲۱۵۴۳)، تمیز، رسیدگی، تحقیق، وارسی، بازدید، ارزیابی مالیاتی. (معین، همان: ۱۸۲۲ و عمید، همان: ۹۷۷)
۴	بازنگری (بازبینی، بازدید)	بازنگری به معنای توجه کردن، بررسی کردن، مطالعه کردن، رسیدگی، نگاه کردن، بعقب نگریستن، بازدید کردن (دهخدا، همان: ۴۱۲۵)، بازدید رؤیت مکانی و ناحیه‌ای، رسیدگی به امری (معین، همان: ۲۳۲)، بازبین به معنای وارسی‌کننده (دهخدا، همان: ۴۰۹۳)، بازدیدن به معنای وادیدن، دیگر باره دیدن، بازدیدی اصطلاح مخصوص عهد صفوی، آنچه باید بازدید و تقویم شود (همان: ۴۱۰۵)، بازبین یعنی کنترلر (عمید، همان: ۲۰۳).
۵	پایش (مراقبت، وارسی)	پایش از مصدر پائیدن یا پاییدن به معنای نگریستن، چشم بر نداشتن (دهخدا، همان: ۵۳۱۹)، نگهبانی کردن، مواظب بودن، رصد کردن، ملتفت و متوجه بودن (معین، همان: ۳۲۸)، چشم به کسی یا چیزی دوختن و پاینده کسی که چیزی رل بپاید و مراقب آن باشد. (عمید، همان: ۲۷۳) مراقبت به معنای نگرنده، ناظر،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

		نگران، نگهبان، منتظر، متوقع، چشم به‌راه (دهخدا، همان: ۲۰۵۹۷ و معین، همان: ۱۶۷۹)، زیر نظر قرار دادن، دیدبانی، نگهبانی (عمید، همان: ۹۲۹) و وارسی به معنای رسیدگی و دقت و غوررسی، با دقت آگاهی حاصل کردن، نیک تفتیش کردن (دهخدا، همان: ۲۳۰۶۶)، تفتیش، ممیزی (معین، همان: ۲۰۲۰)، بازرسی، رسیدگی به کاری یا چیزی. (عمید، همان: ۱۰۴۲)
۶	بازرسی (بازپرسی)	بازرسی به معنای تفتیش، عمل بازرس، جستجو دربارهٔ کسی یا چیزی، تحقیق کردن، دوباره رسیدن (دهخدا، همان: ۴۱۰۶)، بازپرسی به معنای پرسش مکرر، پرسشی که بازپرس (مستنطق) از مدعی و مدعی علیه یا متهم و یا مرتکب جرم کند و نتیجه را در پرسش‌نامهٔ رسمی نویسد و آنگاه با توجه به جواب‌ها قرار صادر نماید (معین، همان: ۲۳۱)، پرسش‌کننده، مستنطق (عمید، همان: ۲۰۳).
۷	تفتیش (تجسس)	واپژوهیدن، کافتن، جستن و کاویدن، کاویدن و کندیدن و جستجو کردن، نیک جستجو کردن، نظر کردن در ظاهر چیزی و جستجوی آن نمودن، تفحص و تجسس و کاوش، بازرسی، وارسی، پی‌جویی، بررسی، بررسیدن (دهخدا، همان: ۶۸۴۴).
۸	تحقیق و تفحص	تحقیق به معنای درست و راست کردن، رسیدگی و وارسی کردن، به کنه مطلب رسیدن و واقع چیزی را به دست آوردن، بدانستن (دهخدا، همان: ۶۴۸۵)، بر رسیدن، پژوهشیدن، مطالعه (معین، همان: ۴۳۱)، به حقیقت امری رسیدگی کردن، بازجویی کردن، راستی و درستی (عمید، همان: ۳۲۸) و تفحص به معنای واپژوهیدن، بازکاویدن، وارسی و جستجو کردن، پی‌جویی، بازجستن (دهخدا، همان: ۶۸۴۵)، بر رسیدن، بازجست کردن، تجسس کردن، کاوش، بررسی (معین، همان: ۴۷۰)، تحقیق کردن دربارهٔ امری یا چیزی. (عمید، همان: ۳۵۳)

جدول شمارهٔ ۲. معانی لغوی «منظومهٔ واژگانی نظارت» در زبان فارسی

۲-۳. معنای اصطلاحی نظارت

حال پس از تفطن بر معانی لغوی، لازم است با معانی اصطلاحی منظومهٔ واژگانی نظارت نیز آشنا شویم. وراء معانی لغوی، معانی اصطلاحی نیز برای این دانش‌واژه ذکر گردیده است که با توجه به مضاف‌بودن مفهومِ «نظارت» در هر علمی معنایی دیگر می‌یابد. لذا نمی‌توان به تعریف اصطلاحیِ مجمع‌علیهی در این زمینه دست یافت؛ بلکه در هر علم، نظارت معنا و کارکردی مستقل از دیگری دارد. از جمله آنکه نوربرت ونیر،[1] یکی از صاحب‌نظران در علم مدیریت، معتقد است: «نظارت چیزی نیست جز ارسال پیام‌هایی که به‌طور مؤثر رفتار گیرندهٔ پیام‌ها را تغییر می‌دهد». (وجدانی، ۱۳۷۲: ۳۲۴) باری، می‌توان

1. Norbert Wiener

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

معانی اصطلاحی ذیل را برای واژۀ نظارت مطمح نظر قرار داد؛ ۱. نظارت به کوششی اطلاق می‌شود که مدیر برای تطبیق عملیات با برنامه انجام می‌دهد تا میزان صحت و سقم فعالیت‌ها را به دست آورد. ۲. نظارت فعالیتی است که باعث تطبیق عملیات با برنامه می‌شود. ۳. نظارت عبارت است از مراقبت و زیر نظر قرار دادن نیروی انسانی و کارها که به‌منظور حفظ سلامت نیروی انسانی و مطلوبیت کارها انجام می‌گیرد. ۴. نظارت عبارت از یک نوع عمل تحقیق و ارزیابی است که از طریق جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها به نتیجه مطلوب می‌رسد؛ و یا ۵. نظارت عملیات به‌هم پیوسته‌ای است که در یک فرایند زنجیره‌ای، زمینه را برای تصمیم‌سازی فراهم می‌آورد. بر این اساس، می‌توان ارکان اصلی نظارت را ذیل این موارد تبیین نمود؛ الف. ناظر (اِعمال‌کنندۀ عمل نظارت)، ب. عامل (مجری)، پ. ناظم (اِعمال‌کنندۀ ضمانت اجرا)، ت. موضوع (آنچه بر آن نظارت می‌شود)، ث. هدف (غایت نظارت)، ج. معیار (ضابطۀ نظارت).[۱] اما پرسش مهم آنکه مراد از اصطلاح نظارت در «حقوق عمومی» چیست؟ نظارت در حقوق عمومی را می‌توان به «نگرش در اجرای امور، برای اطمینان از موافقت آن با قوانین و یا اهداف از پیش معین‌شده» تعریف کرد. نظارت در حقوق عمومی، ابزاری است برای حصول اطمینان از اینکه حکومت وظایفی را که بر عهده دارد، در چارچوب اختیاراتی که به او تفویض شده، انجام دهد.

ردیف	واژه	معنای اصطلاحی
۱	مهار[۲] (کنترل)	کنترل فعالیتی است که ضمن آن عملیات پیش‌بینی‌شده با عملیات انجام‌شده مقایسه می‌شوند و در صورت اختلاف و انحراف بین آنچه باید باشد و آنچه هست، نسبت به رفع و اصلاح آن‌ها اقدام می‌شود. (صادق‌پور، ۱۳۷۲: ۴۰) برخی دیگر، «کنترل یا نظارت» را توان اِعمال قدرت، هدایت یا بازداشتن دیگران تعریف کرده‌اند.[۳] (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۵۸۱)

۱. برای مطالعۀ بیشتر، نک: واعظی، مجتبی (۱۴۰۱). حقوق اداری ۱، تهران: میزان، ۲۰۹–۲۲۹.

۲. معادل انگلیسی مناسب برای این واژه، Control می‌باشد.

۳. در مقام مقایسۀ دو کلیدواژۀ «نظارت» و «کنترل» می‌توان گفت نظارت مقدم بر کنترل است و بر خلاف نظارت، کنترل علی‌الدوام و همیشگی نیست. مضافاً می‌توان مدعی شد نظارت در حقوق و فلسفۀ سیاسی رخ نمایان می‌سازد ولی کنترل، مفهومی است که جنبۀ مدیریتی دارد و در آنجا شکل عملی به خود می‌گیرد. برخی از نویسندگان حقوق عمومی بر این نظرند که «نظارت اجمالاً همان کنترل است»؛ (راسخ، ۱۳۹۸: ۱۵) در حالیکه به‌نظر نگارندگان، کنترل همان نظارت نیست؛ بلکه ابزار نظارت است. در معنای عام می‌توان نظارت را مسامحتاً با کنترل یکی پنداشت، لیکن در معنای خاص، کنترل بعد از نظارت واقع می‌شود و در واقع بخشی از فرآیند نظارت است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

۲	پاسخگویی[۱] (جوابگویی، مسئولیت)	پاسخگویی در اخلاقیات و دانش حکومت‌داری، همان توانایی و قدرت بر ارائهٔ جواب و استحقاق تحمل مسئولیت و انتظار حساب‌کشی است (Dykstra, 1939: 33) و بر اساس تعاریف مشابه، پاسخگویی به‌عنوان «دلیل‌آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام‌شده» (Munro, 1996: 225-7) و «وظایف ترک‌شده» شناخته می‌شود و در تعریفی دیگر، «مسئول ساختن افرادی مشخص است تا تضمین شود که وظایف، به موقع و طبق روش‌ها و معیارهای مورد توافق انجام می‌گیرد. (Nicholson,1995) «باونز»[۲] نیز پاسخگویی را به‌مثابهٔ «پلی» مابین یک «بازیگر»[۳] و یک «نهاد»[۴] بازتعریف می‌کند که در آن، «بازیگر» مکلف به توضیح درباره اَعمال خود است و «نهاد» می‌تواند سؤالاتی را بیان کرده و بر آن اساس، قضاوت کند و بدین ترتیب، «بازیگر» باید با عواقب اَعمال خود روبه‌رو شود.[۵] (Bovens, 2007: 450)
۳	ارزیابی (ارزشیابی) و حسابرسی و ممیزی[۶]	فرآیند جستجوی کاربردی برای جمع‌آوری و تحلیل شواهد در جهت رسیدن به نتیجهٔ نهایی در مورد ارزش، شایستگی، معنی‌دار بودن، کیفیت برنامه، تولید، خط مشی، یا برنامه و نقشه (هر آنچه که موضوع ارزشیابی است).[۷] (Mathison, 2005: 50) حسابرسی رسیدگی و اظهار نظر نسبت به اسناد، مدارک، دفاتر و اطلاعات مالی توسط شخصی مستقل از مسئولین تهیه وتنظیم آن است. حسابرسی بازرسی جستجوگرانهٔ مدارک حسابداری و سایر شواهد زیر بنایی صورت‌های مالی می‌باشد (رفیعی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰). لذا حسابرسی نیز همچون ممیزی و ارزیابی، پیوندی نزدیک با امور مالی دارد.[۸] ممیزی به فعالیت‌هایی

۱. معادل انگلیسی مناسب برای این واژگان، Accountability، Confidence و Questions of می‌باشد.

2. Mark Bovens

3. Actor

4. Entity

۵. ارتباط نظارت و پاسخگویی در این نکته نهفته است که هر جا سخن از نظارت ناظری به میان می‌آید لاجرم پاسخگو بودن مقام یا نهاد مشمول نظارت نیز مطرح می‌شود. به دیگر سخن، پاسخگویی روی دیگر سکهٔ نظارت است (راسخ، ۱۳۹۸: ۴۰).

۶. معادل انگلیسی مناسب برای این واژگان Audit و Evaluation می‌باشد.

۷. بنابراین می‌توان گفت ارزیابی نوعی نظارت تخصصی است که عمدتاً در حوزهٔ مالی مطمح نظر قرار می‌گیرد.

۸. بنابراین، حسابرسی نوعی نظارت تخصصی است که در حوزهٔ مالی رخ نمایان می‌سازد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

		نظیر بازرسی و ارزیابی یک فرآیند یا یک سیستم کیفی به منظور حصول اطمینان از انطباق آن‌ها با الزامات اطلاق می‌گردد. یکی از مهمترین وجه تمایزهای ممیزی با بازرسی و یا ارزیابی آن است که ممیزی بر طبق برنامه‌ریزی و با اعلام قبلی انجام می‌گردد. ممیزی می‌تواند در تمامی بخش‌های یک سازمان و یا فقط بخشی خاص از آن و یا حتی قسمتی از فرآیند اجرا گردد. البته نکتهٔ مهم در خصوص ممیزی، همبستگی آن با مسائل مالی و مالیاتی است.[۱]
۴	پایش (مراقبت، وارسی، امتحان)[۲]	پایش یعنی جلوگیری از انحراف از یک مسیر یا استانداردی که امکان انحراف از آن وجود دارد. از این‌رو، ناظر در عمل پایش تنها در صورتی ورود پیدا می‌کند که انحرافی در مسیر استاندارد ملاحظه کند، در غیر این صورت، اختیار نظارتی او سلب می‌شود.[۳] در برخی از واژگان در منظومهٔ واژگانی نظارت از جمله مراقبت و پایش، تداوم نظارت و استمرار آن مسئلهٔ کلیدی است. به‌عبارتی می‌توان استنباط کرد که امر نظارت همیشه در حال اجرا شدن است تا انحرافی در آن صورت نگیرد. حال آنکه از عبارات بازنگری و بازبینی مشخص می‌شود که عمل مورد نظارت پایان یافته و ناظر آن را به‌صورت دوباره مورد دیدن و نگریستن قرار می‌دهد و عنصر نهایی است.[۴] همچنین به نظر می‌رسد واژهٔ وارسی فاقد معنای اصطلاحی باشد و لذا تأکید بر واژهٔ لغوی آن در اینجا، لازم و البته اجتناب‌ناپذیر است. آنچه راجع‌به واژهٔ وارسی جزء نکات کلیدی است، رسیدگی دقیق و عمیق است. از همین‌روست که می‌توان واژگان سرکشی، تفتیش، بررسی،

۱. از این‌رو، ممیزی نیز نوعی خاص از نظارت است که عمدتاً در حوزهٔ مالی مطمح نظر قرار می‌گیرد.

۲. معادل انگلیسی مناسب برای این واژگان Monitoring, Scrutiny, Check Probe,Verification,Watch,Vigilance Attention, Care, Jealousy, Lookout,Guard می‌باشد. وجه مشترک معنایی همهٔ این واژگان، دخالت نکردن ناظر در موضوع تحت نظارت مگر در موارد ضروری است.

۳. بر این اساس به‌نظر می‌رسد رابطهٔ منطقی میان نظارت و پایش، عموم و خصوص مطلق است؛ بدین معنا که همهٔ پایش‌ها نوعی خاص از نظارت هستند لکن همهٔ انواع نظارت را نمی‌توان مترادف با پایش تلقی نمود.

۴. لذا روشن می‌شود که مراقبت، صورت عمیق و شدت‌یافتهٔ نظارت است. در واقع، همراهی مجری و مراقب در همهٔ مراحل (نظارت پیوسته) از ویژگی‌های مراقبت است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

		پی‌جویی، غور، فحص و کاوش را نیز در گسترهٔ معنایی همین مفهوم به کار برد.[۱] به‌نظر می‌رسد واژهٔ امتحان فاقد معنای اصطلاحی حقوقی است و لذا فهم آن، مستلزم تدقیق در معنای لغوی آن است. همانگونه که بر اساس معنای لغوی مشخص شد، امتحان، آزمون و آزمودن است. به دیگر سخن، امتحان، ابزاری در دست ناظر است تا از موفق بودن راه طی شده اطمینان حاصل نموده و خطاهای آن را نمایان سازد. لذا هدف اصلی در امتحان، صحت‌سنجی اقدامات منظور توسط ناظر است.[۲]
۵	بازنگری[۳] (بازبینی، بازدید)	بازنگری در اصطلاح حقوق مدرن، نوعی اختیار دادگاه‌ها برای بازتعیین اعتبار اقدامات قوهٔ مقننه و به‌ویژه قوهٔ مجریه می‌باشد. به دیگر سخن، بازنگری یا نظارت قضایی به‌مثابهٔ ابزاری نگریسته می‌شود که با بازبینی اقدامات دولت، به نحوی از انحاء در سیاست‌گذاری عمومی نیز ورود کرده و آن را متأثر می‌سازد.[۴] بر این اساس، بازنگری در اصطلاح حقوقی، نوعی خاص از نظارت است که با سایر انواع آن متفاوت می‌باشد.[۵و۶]
۶	بازرسی[۷] (بازپرسی)	در اصطلاح حقوق جزا، بازرسی به اقداماتی گفته می‌شود که مأمورین ذی‌صلاح حسب مجوز یا دستور مقام قضایی در جهت کشف آلات و ادوات و ادلهٔ جرم و نیز اموال حاصله از جرم با رعایت موازین شرعی و قانونی در منزل و مخفیگاه متهمین و مظنونین به ارتکاب جرم معمول می‌دارند. این اقدام، از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین اقدامات قضایی در کشف بزه و دلایل و آثار جرم است و تأخیر در اجرای آن لطمه بزرگی به روند تحقیقات وارد می‌آورد. (شاملو احمدی، ۱۳۸۰: ۹۰)

۱. لذا می‌توان مدعی شد که وارسی نیز همچون مراقبت، نوع عمیق و شدت‌یافتهٔ نظارت است.

۲. از این منظر، امتحان به‌مثابهٔ ابزاری در تحقق عمل نظارت به‌شمار می‌رود. ضمن اینکه امتحان به معنای پایان‌یافتن کل یا بخشی از عملیات اجرایی است.

۳. معادل انگلیسی مناسب برای این واژگان Revision ,Overhaul,Review می‌باشد.

۴. برای آگاهی بیشتر در این خصوص، نک: پتفت و ویژه، ۱۳۹۵: ۳.

۵. رابطهٔ منطقی نظارت و پایش راجع به نظارت و بازنگری نیز صدق می‌کند.

۶. گفتنی است بازنگری در قانون اساسی (Amendment) موضوعی قابل تمایز از موضوع پیش‌گفته می‌باشد که بحث راجع‌به آن فرصتی مجزا می‌طلبد.

۷. معادل انگلیسی مناسب برای این واژگان Inspection می‌باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

۷	تفتیش[۱] (تجسس)	از منظر حقوق جزا و جرم‌شناسی، تفتیش و تفحص به معنای ورود همراه با جستجوی دقیق عناصر دلیل، جابجایی اشیاء و اقدامات دیگری که ممکن است نظم خانه را بر هم زند، می‌باشد. (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۷۵) از این منظر، تفتیش و تجسس نیز نوعی نظارت به‌منظور تحصیل دلیل است.[۲]
۸	تحقیق و تفحص[۳]	فارغ از معنای لغوی، تحقیق و تفحص اصطلاحی است که به حق نظارتی مجلس شورای اسلامی اشاره دارد. طبق اصل ۷۶ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. لذا این اصطلاح به ماهیت نظارت اشاره کرده و در واقع، نمایانندهٔ نظارت سیاسی اِعمال‌شده توسط پارلمان در نظام حقوق اساسی ایران است.[۴]

جدول شمارهٔ ۳. معانی اصطلاحی «منظومهٔ واژگانی نظارت» در زبان فارسی

به‌نظر می‌رسد می‌توان واژگان نظارت را بر مبنای شباهت و تفاوت معنای لغوی و اصطلاحی آن‌ها، از دو حیث «عمق» و «ماهیت» تفکیک نمود. بنابر طبقه‌بندی نخست، می‌توان واژگان مهار، کنترل، پاسخگویی (جوابگویی، مسئولیت)، ارزیابی (ارزشیابی)، حسابرسی، ممیزی را بر اساس معنای لغوی و اصطلاحی آن‌ها در یک گروه تحت عنوان نظارت «کم‌عمق» قرار داد. در گروهی دیگر، واژگان «عمیق» نظارت مطمح نظر بوده و عموماً شامل واژگانی از نظارت است که با تکرار و دقت فزون‌تر از واژگان طبقهٔ پیشین عمل می‌کنند. می‌توان واژگان ذیل را در این طبقه جانمایی کرد؛ پایش، بازنگری (بازبینی، بازدید)، امتحان، مراقبت، بازرسی (بازپرسی)، تفتیش، تحقیق، تفحص، وارسی، تجسس. بر اساس طبقه‌بندی دوم، می‌توان منظومهٔ واژگانی نظارت بر اساس «ماهیت» را به سه دستهٔ کلی «اداری» (اعم از مالی و انتظامی)، «سیاسی» و «قضایی» طبقه‌بندی نمود. در طبقهٔ اداری از نوع مالی، واژگانی از قبیل حسابرسی، ممیزی و ارزیابی در آن جای می‌گیرند. در طبقه‌بندی اداری از نوع انتظامی، واژگانی همچون تفتیش، تجسس، وارسی، پایش و مراقبت قرار می‌گیرند. در طبقهٔ سیاسی، می‌توان به واژگان

۱. معادل انگلیسی مناسب برای این واژگان Surveillance Supervision, Inspection می‌باشد.

۲. در خصوص مقایسهٔ نظارت و تفتیش، می‌توان مدعی شد که تفتیش، نوعی خاص از نظارت است که در موارد قانونی معین واقع می‌شود. دریافت اطلاعات از طریق روش‌های حضوری (گفت‌وگو با مجریان، بازجویی و...) و امکان جلوگیری موقت از ادامهٔ اجراء از مؤلفه‌های این نوع از نظارت است که می‌تواند آن را با سایر انواع نظارت متمایز سازد.

۳. معادل انگلیسی مناسب برای این واژگان Detection و Examination می‌باشد.

۴. لذا رابطهٔ منطقی نظارت و تحقیق و تفحص نیز از نوع عموم و خصوص مطلق است؛ توضیح آنکه همهٔ تحقیق و تفحصات نوعی خاص از نظارت است، حال آنکه همهٔ انواع نظارت محدود به نظارت سیاسی و به‌طور خاص سازوکار تحقیق و تفحص نمی‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

پاسخگویی، مهار، کنترل، تحقیق و تفحص اشاره نمود. و بالأخره در طبقهٔ قضایی، واژگان بازنگری و بازرسی قابل جانمایی است.

ردیف	عمق نظارت	واژگان نظارت
۱	کم عمق	مهار، کنترل، پاسخگویی (جوابگویی، مسئولیت)، ارزیابی (ارزشیابی)، حسابرسی، ممیزی.
۲	عمیق	پایش، بازنگری (بازبینی، بازدید)، امتحان، مراقبت، بازرسی (بازپرسی)، تفتیش، تحقیق، تفحص، وارسی، تجسس.

جدول شمارهٔ ۴. طبقه‌بندی «منظومهٔ واژگانی نظارت» در زبان فارسی بر اساس عمق

ردیف	ماهیت نظارت	واژگان نظارت
۱	اداری	اداری– مالی: حسابرسی، ممیزی و ارزیابی (ارزشیابی).
		اداری– انتظامی: تفتیش، تجسس، وارسی، پایش و مراقبت.
۲	سیاسی	پاسخگویی، مهار، کنترل، تحقیق و تفحص.
۳	قضایی	بازنگری (بازبینی، بازدید) و بازرسی (بازپرسی).

جدول شمارهٔ ۵. طبقه‌بندی «منظومهٔ واژگانی نظارت» در زبان فارسی بر اساس ماهیت

۳-۳. کاربست عملی واژگان نظارت در نظام حقوقی ایران

حال پس از آگاهی از معانی لغوی و اصطلاحی، می‌توان کاربست عملی واژگان نظارت در نظام حقوقی ایران را به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد.

ردیف	واژه	برخی از مصادیق عملی کاربست واژگان نظارت در نظام حقوقی ایران
۱	مهار (کنترل)	قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۵، قانون نظام مهندس و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴، قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی کنترل سامانه‌های (سیستم‌های) مضر ضد خزه بر روی کشتی‌ها مصوب ۱۳۸۹، قانون تأمین اعتبار کنترل و انسداد مرزهای شرقی کشور مصوب ۱۳۷۹، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰.
۲	پاسخگویی (جوابگویی،	طرح ارتقاء پاسخگویی دستگاه‌های دولتی به شکایات مردم مصوب ۱۳۷۸، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

	مسئولیت)	دریایی مصوب ۱۳۹۳، قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵، قانون وظایف و مسئولیت‌های جمعیت هلال احمر مصوب ۱۳۶۲.
۳	ارزیابی (ارزشیابی) و حسابرسی و ممیزی	شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی مصوب ۱۳۸۳، قانون معافیت مالیاتی درآمد حاصل از تجدید ارزیابی دارایی بانک‌های کشور، دستورالعمل اجرایی ممیزی عبوری مصوب ۱۳۹۴، قانون متمم قانون ممیزی مصوب ۱۳۰۹، بخشنامه سازمان امور مالیاتی کشور درخصوص تاریخ اثر آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی مصوب ۱۳۹۷.
۴	بازنگری (بازبینی، بازدید)	اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون هزینهٔ بازبینی فیلم‌های سینمائی داخلی و خارجی مصوب ۱۳۶۰، قانون اخذ ورودیه از بازدیدکنندگان موزه های تخصصی، قانون اخذ ورودیه از بازدیدکنندگان پارک‌ها و موزه‌های تاریخ طبیعی مصوب ۱۳۶۷، مواجب و مخارج یک مفتش برای بازدید جنگل‌ها مصوب ۱۲۸۸.
۵	پایش (مراقبت، وارسی، امتحان)	مقررات تعیین واحدهای بزرگ و مقاطع زمانی و ضوابط اندازه‌گیری آلایندگی و نحوهٔ خوداظهاری پایش محیط زیست موضوع تبصره (۲) ماده (۱۸) قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۴۰۰، نامه شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی درخصوص احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری سهام و شرکت‌های مورد واگذاری به عنوان یک سیاست و خط‌مشی کلی مصوب ۱۳۸۸، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲.
۶	بازرسی (بازپرسی)	اصل ۱۷۴ قانون اساسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات مصوب ۱۳۹۲، قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۸، تصویبنامهٔ هیئت وزیران راجع به تجدید ماموریت هیئت‌های بازرسی و بازپرسی که از طرف بازرسی کل کشور مأموریت دارند مصوب ۱۳۲۶، بخشنامهٔ رئیس قوهٔ قضائیه در خصوص نحوه رسیدگی به پرونده‌های اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷.
۷	تفتیش (تجسس)	اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون اجازهٔ تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به‌وسیلهٔ کمیسیون نرخ اسعار مصوب ۱۳۰۸، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی کمک‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب ۱۳۷۶، منع تجسس و قرار دادن شنود در اسرار مردم برای کشف جرم مصوب ۱۳۶۵.
۸	تحقیق و تفحص	اصل ۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل ۷۶ قانون اساسی با موضوع تحقیق و تفحص از ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه مصوب ۱۳۶۷، ضرورت تحقیق و تفحص برای شناسایی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

صاحبان اموال مسروقه و استرداد آن‌ها بخشنامه به کلیه دادسراهای عمومی و انقلاب اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۲، همکاری با مجلس شورای اسلامی درخصوص تحقیق و تفحص مصوب ۱۳۶۶.		

جدول شمارۀ ۶. کاربست عملی منظومۀ واژگانی نظارت در نظام حقوقی ایران

باری، آنچه از تدقیق در مصادیق عملی نظارت در نظم و نظام حقوقی ایران قابل استباط است این است که در برخی موارد، مقنن بدون اهتمام به بافتار صحیح منظومۀ واژگانی نظارت از آن‌ها استفاده نموده است. برای مثال، قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات بر مبنای تحلیل منظومۀ واژگانی نظارت، کاربست زبانی نادرستی است؛ زیرا همانطور که گفته شد، کنترل بر خلاف نظارت، علی‌الدوام و همیشگی نیست؛ حال آنکه چنین امری در مسئلۀ مهم دخانیات علی‌الاصول و علی‌العموم باید به‌نحوی مداوم اجرایی گردند. از سوی دیگر اما تأمل در برخی مصادیق عملی واژگان نظارت، برای مثال، ارزیابی (ارزشیابی)، حسابرسی و ممیزی در نظام حقوقی ایران نشان از کاربست زبانی درست آن‌ها بر مبنای روش دیرینه‌شناختی دارند؛ آنچه می‌تواند و باید به‌مثابۀ راهنمایی عملی توسط قانون‌گذاران مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نظارت، به‌مثابۀ هستۀ اصلی حقوق عمومی مدرن، در تکاپو برای حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندی از طریق پایش مقامات عمومی و نظارت‌پذیر کردن آن‌هاست. از این‌رو، فهم معانی و کارکردهای چندوجهی واژۀ ذاتاً مناقشه‌انگیز نظارت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در پژوهش بنیادی پیش‌رو با روش کیفی مبتنی‌بر دیرینه‌شناسی فوکویی و تدقیق زبانیِ گسترده در منظومۀ واژگانی نظارت در حقوق عمومیِ ایران، کوشش گردید تا به‌نحوی روشمند و با تأکید بر اُبژه در تحلیل این گفتمان، زمینه برای استفادۀ صحیح واژگان نظارت در بافتار مناسب خود از یک‌سو و نیز کاربست روش‌شناسی‌های کیفیِ زبان‌شناختی همچون دیرینه‌شناسی و تبارشناسی در تحلیل‌های حقوق عمومی- به‌ویژه حقوق اداری- فراهم گردد.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نخست می‌توان از میان واژگان متعدد متناظر با نظارت، هشت کلیدواژۀ مهم «مهار (کنترل)»، «پاسخگویی (جوابگویی، مسئولیت)»، «ارزیابی (ارزشیابی) و حسابرسی و ممیزی»، «پایش (مراقبت، وارسی، امتحان)»، «بازنگری (بازبینی، بازدید)»، «بازرسی (بازپرسی)»، «تفتیش (تجسس)»، «تحقیق و تفحص» را برجسته ساخته و با تدقیق در معانی لغوی، اصطلاحی و کاربست عملی، به استفادۀ زبانی دقیق از آن‌ها در بافتار مناسب خود مبادرت ورزید. دوم آنکه می‌توان منظومۀ واژگانی نظارت را مبتنی‌بر استنباط لغوی و اصطلاحی به‌دست‌آمده، بر اساس دو مؤلفۀ مهم «عمق» و «ماهیت» طبقه‌بندی نمود. بنابر طبقه‌بندی نخست، واژگان مهار، کنترل، پاسخگویی (جوابگویی، مسئولیت)، ارزیابی (ارزشیابی)، حسابرسی، ممیزی در طبقۀ منظومۀ واژگانی «کم عمق» نظارت قرار

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

می‌گیرند. در گروهی دیگر واژگان «عمیق» نظارت قرار داشته و دربرگیرندهٔ واژگانی از نظارت است که با تکرار و دقت فزون‌تر از واژگان طبقهٔ پیشین عمل می‌کنند؛ واژگانی از قبیل پایش، بازنگری (بازبینی، بازدید)، امتحان، مراقبت، بازرسی (بازپرسی)، تفتیش، تحقیق، تفحص، وارسی، تجسس. از سوی دیگر و بنابر طبقه‌بندی دوم، می‌توان منظومهٔ واژگانی نظارت بر اساس ماهیت را به سه دستهٔ کلی «اداری» – اعم از مالی و انتظامی–، «سیاسی» و «قضایی» طبقه‌بندی نمود. در طبقهٔ اداری از نوع مالی، واژگانی از قبیل حسابرسی، ممیزی و ارزیابی در آن جای می‌گیرند که ماهیتاً راجع‌به نظارت‌های مالی و مالیاتی دولت هستند. در طبقه‌بندی اداری از نوع انتظامی، واژگانی همچون تفتیش، تجسس، وارسی، پایش و مراقبت قرار می‌گیرند که اساساً به‌منظور حفظ نظم و امنیت جامعه عمل می‌کنند. در طبقهٔ سیاسی، می‌توان به واژگان پاسخگویی، مهار، کنترل، تحقیق و تفحص اشاره نمود که البته متلائم با فلسفهٔ سیاسی و قدرت هستند. و بالأخره در طبقهٔ قضایی، واژگان بازنگری و بازرسی قابل جانمایی است که عموماً به کارکردهای حل و فصل منازعات اشاره می‌کنند. بالأخره و سوم آنکه در سطح دیگر تحلیل واژگانی نظارت در این مقاله با بررسی مهمترین قوانین و مقررات مصوبه در نظام حقوقی ایران مشخص می‌گردد کاربست زبانی دقیقی توسط مقنن راجع‌به منظومهٔ واژگانی نظارت، در برخی موارد، صورت نگرفته و قانونگذار بدون التفات به بافتار متمایز هر یک از واژگان هشت‌گانهٔ نظارت، «بعضاً» آن‌ها را به جای یکدیگر به کار برده است.

آنچه روشن است اینکه واژهٔ «نظارت» مفهومی جاافتاده در حقوق عمومیِ ایران است و از این‌رو، آنگاه که به این واژه اشاره می‌شود به‌نحوی از انحاء، منظومهٔ واژگانی نظارت مدنظر است. با این همه، برای پیشگیری از این غفلت که ممکن است ادعا شود واژهٔ نظارت همهٔ آن مفاهیم را در بر نمی‌گیرد لازم و ضروری است که به‌صورت مستقل، واژگان نزدیک به نظارت نیز مورد تبیین قرار گیرند. لذا از یک‌سو، با تبیین هر یک از واژگان نزدیک به نظارت بر این ادعا تأکید می‌شود که همهٔ واژگان مربوطه (منظومهٔ واژگانی نظارت) هستهٔ مفهومیِ واحدی دارند و هر یک از آن‌ها، جنبه و بخشی از مفهوم عام نظارت را نمایان می‌سازند. از سوی دیگر، با تبیین مجزای هر یک از این واژگان، این هدف دنبال شده است که واژگان مربوطه دارای تفاوت‌های ظریفی با یکدیگر بوده و هر یک از آن‌ها در بافتاری مشخص مورد کاربست قرار می‌گیرند. استفادهٔ دقیق واژگان نظارت در بافتار خود، فراتر از تحلیل نظری، البته واجد کاربردهای اثرگذار عملی در نظم و نظام حقوقی است. توضیح آنکه برای نمونه و مبتنی‌بر طبقه‌بندی ماهیت، واژگانی که بر بُعد سیاسیِ نظارت تأکید می‌کنند نیازمند نظام حقوقی و سازوکارهای متمایزی از واژگانی است که بر جنبهٔ اداری و یا حتی قضایی نظارت اشاره دارند. به‌دیگر سخن، تحلیل واژگانی نظارت خود مدخلی گران‌بها در طراحی نظام حقوقیِ مؤثرِ حاکم بر انواع نظارت و تعبیهٔ سازوکارهای مناسب در جهت نائل‌آمدن به غایت دولت حقوقی است. آنچه می‌تواند از طریق پژوهش‌های کیفیِ زبان‌شناختی و روشمند توسط جامعهٔ علمی حقوق عمومی مطمح نظر قرار گیرد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

فهرست منابع

الف. فارسی

کتاب‌ها

آشوری، محمد (۱۳۸۹). آیین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران: سمت.
برونوفسکی، ج و مازلیش، ب (۱۳۷۹). سنت روشنفکری در غرب از لئوناردو تا هگل، ترجمهٔ لی لا سازگار، تهران: آگاه.
دریفوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۸۴). میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمهٔ حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، به قلم جمعی از نویسندگان زیر نظر دکتر محمد معین، تهران.
راسخ، محمد (۱۳۹۶)، حق و مصلحت، جلد دوم، تهران: نشر نی.
راسخ، محمد (۱۳۹۸). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: دراک.
سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجروی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، چ اول، اصفهان: نشر دادیار.
عمید، حسن، (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید تهران: راه رشد.
فوکو، میشل (۱۳۸۸). تاریخ جنون. ترجمهٔ فاطمه ولیانی، تهران: هرمس
کچویان، حسین (۱۳۸۲). فوکو و دیرینه‌شناسی دانش؛ روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا مابعد تجدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمهٔ حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی، بیست و سوم؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۴.
مونتسکیو (۱۳۴۹). روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر
نیچه، فردریش (۱۳۷۵). فراسوی نیک و بد، ترجمهٔ داریوش آشوری، تهران: خوارزمی.
نیچه، فردریش (۱۳۷۷). تبارشناسیِ اخلاق، ترجمهٔ داریوش آشوری، تهران: آگاه.
وجدانی، فؤاد (۱۳۷۲). اصول و مفاهیم اساسی مدیریت بازرگانی،، تهران: بی‌چا.
ویژه، محمدرضا (۱۳۹۶). مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، تهران: جنگل.
هارت، هربرت (۱۳۹۰). مفهوم قانون، ترجمهٔ محمد راسخ، تهران: نشر نی.
هداوند، مهدی (۱۳۹۶). حقوق اداری تطبیقی (جلد دوم). تهران: سمت.

مقاله‌ها

اکرمی، موسی و اژدیان شاد، زلیخا (۱۳۹۱). "تبارشناسی از نیچه تا فوکو"، فصلنامهٔ روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۷۰، صص ۷-۳۲.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]

اشرف نظری، علی، اشکور کیایی، افشین، ساعی، احمد، پولادی، کمال (۱۳۹۷)، "بازفهمی هویت‌های تاریخی از موضع روش تبارشناسانه: با تأکید بر نظریهٔ فوکو"، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۴۰، صص ۴۰-۶۵.
پتفت، آرین و ویژه، محمدرضا (۱۳۹۵)، "اصل رعایت تشریفات قانونی در بازنگری قضایی ایالات متحده آمریکا"، مطالعات حقوقی، ش ۴، صص ۱-۲۶.
حاجلی، علی (۱۳۹۵)، "فوکو، گفتمان، تحلیل گفتمان"، فصلنامهٔ انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۴۲، صص ۶۳-۸۷.
شرفشاهی، احمد و احمدب افرمجانی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، "روشِ نقدی ویتگنشتاین متأخر"، حکمت و فلسفه، ش ۵۷، صص ۱۹۵-۲۲۲.
صادق‌پور، ابوالفضل (۱۳۷۲)، "نظارت یا کنترل کردن"، مدیریت دولتی، ش ۲۲، صص ۳۷-۴۵.

ب. انگلیسی

Books

Foucault, M. (2002) The Archaeology of Knowledge. London: Routledge.
Mathison, S. (Ed). (2005). Encyclopedia of evaluation. Thousand Oaks, CA: Sage Publications
Munro, R. Mouritsen. J (1996). Accountability: power, Ethos and the Technologies of Managed, London: International Thomson Business press, pp. 225-7.
Nigcl Nicholson. (1995). The Blackwell Encyclopedic Dictionary of Organizational Behavior, Cambridge: Blackwell Business.

Articles

Dykstra, Clarence A. (February 1939). "The Quest for Responsibility ." American Political Science Review, The American Political Science Review, Vol. 33, No.25-1: (1).
Mark Bovens. (2007) ‘Analysing and Assessing Accountability: A Conceptual Framework’, in: EuropeanLaw Journal

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.61186/qjal.11.36.229]